



مخاطرات امنیت ملی جمهوری اسلامی در حکمرانی بر زنان در گام دوم انقلاب

فاطمه مرتجی

چکیده :

تعارض الگویی جمهوری اسلامی ایران باالگوهای غربی و کار آمدی دین در ایران، نظام سلطه را بر آن داشته تا از زنان به عنوان یکی از عناصر قدرت در جامعه اسلامی که نیمی از جمعیت را تشکیل داده و سازنده نیم دیگر است، به عنوان مخاطره ای برای امنیت ملی بهره جویند. در گام دوم انقلاب باید گسست زنان و دولت، فرسایش باورها و ارزشهای اسلامی ملی در زنان ایرانی، جنگ نرم علیه زنان و فرسایش هویت ملی زنان به عنوان مخاطره ای برای امنیت ملی در حکمرانی و تعیین استراتژی هاو سیاست گذاری ها مد نظر قرار گیرد. این پژوهش تحلیلی توصیفی با هدف لزوم توجه تخصصی به زنان در حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران تالیف گردیده است و راهکارهایی دراستراتژی مقابله با تهدیدات امنیت ملی در حکمرانی بر زنان ارائه نموده است.

کلیدواژگان: زنان، مخاطرات امنیت ملی، حکمرانی، گام دوم انقلاب

The dangers of National Security of the I.R.I in woman' governance in second step of revolution

Abstract: Pattern conflict and efficacy of religion in Iran made the system of domination use women as one of power elements, half of population and trainer of the next generation. In second step of I.R.I we should pay attention to rift between woman and government, the erosion Islamic national belief and values of women, soft war against woman and the erosion national identity as a national security risk in governance and determine strategies and policy making for woman . The purpose of this descriptive analytical research is the need for specialized attention to woman in governance and listed some solutions for woman's governance strategies to deal with threats against national security dangers.

Keywords: Women, National Security dangers, Governance, Second step of Revolution

۱- مقدمه

جمهوری اسلامی ایران در راستای صدور انقلاب اسلامی به کل عالم، باید الگویی جامع برای جوامع اسلامی در جهت اصل همگرایی و انسجام بین الملل اسلامی ونظامی کار آمد و مردم سالار در جهت نفی نظام سلطه گری ترسیم نماید. الگویی جامع از زن مسلمان شیعی بر اساس آرمان های امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری و هم گام با

زمانه بر اساس فقه پویای شیعی امری است در گام اول انقلاب علیرغم تلاش های گسترده به علت عدم سازمان یافتگی مغفول مانده است.

سوال اصلی این پژوهش پیرامون مخاطرات امنیت ملی جمهوری اسلامی در حکمرانی بر زنان است و انگاره این مقاله این است که گسست زنان و دولت، فرسایش باور ها و ارزشهای اسلامی ملی زنان، مهار ناپذیری جنگ نرم علیه زنان، فرسایش هویت ملی - اسلامی زنان از مخاطرات امنیت ملی جمهوری اسلامی در گام دوم انقلاب است. این مقاله با روش تحلیلی توصیفی با هدف تبیین لزوم توجه به زنان در حکمرانی در جامعه اسلامی و در مخاطرات امنیت ملی در آینده انقلاب تالیف گردیده است.

به طور کلی تهدیدات علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در برهه زمانی کنونی را می توان دو گونه تهدیدات نظامی و نرم تقسیم بندی نمود. کمیته خطر جاری برای مقامات آمریکایی، تنها راه تغییر نظام جمهوری اسلامی را پیگیری جنگ نرم به جای جنگ سخت می داند. این استراتژی که دلتا نام دارد، سه محور اصلی آن استفاده از تاکتیک های دکرترین مهار، نبرد رسانه ای و ساماندهی نافرمانی مدنی است. (ماه پیشانیان، ۱۳۹۰، ۷)

اگر چه هر کدام از تهدیدات علیه امنیت ملی در رابطه با زنان و مردان مطرح است، اما زن نیمی از جامعه است که در سازندگی و تکوین شخصیت و فرهنگ نیم دیگر، نقش بسزایی دارد. از دامان زن، مرد به معراج می رود (خمینی، ۲۷/ ۱۳۵۸/۲) این فرمایش حضرت امام (ره) در واقع یک جمله تبلیغی و تشویقی نبود. نقش سازنده زنان قطعا در اوج کمال انسانی و حتی در فعالیت های سطوح میانی جامعه و انسانیت، موثر است. همچنین حضرت امام (ره) می فرمایند: «صلاح و فسادیک جامعه از صلاح و فساد زنان در آن جامعه سرچشمه می گیرد. یک مادر ممکن است بچه اش را خوب تربیت کند و آن بچه یک ملت را نجات دهد و ممکن است بد تربیت کند و آن بچه، موجب هلاکت یک امت شود» (خمینی، ۱۳۶۱/۱/۱۵) از این رو توجه به زنان و نقش تاثیر گذار آنها در حوزه امنیت ملی، ضرورت داشته و کل جامعه را می تواند تحت الشعاع قرار دهد. بنیانگذار فقید انقلاب، گاه نقش زن را برتر از مردان در جامعه شمرده اند: «نقش زن در جامعه بالاتر از مرد است برای اینکه زنان علاوه بر اینکه خودشان یک قشر فعال در همه ابعاد هستند قشرهای فعال را در دامن خودشان تربیت می کنند.» (خمینی، ۱۳۵۹/۱۲/۲۵) با توجه به تاثیر گذاری زن در نظام اسلامی و نهاد خانواده و نقش تربیتی در رشد نسل آینده، تغییرات فرهنگی زنان همسو با مدرنیته غربی می تواند گسستی بین زنان و دولت در جامعه ایجاد نموده و فرسایش باور ها و ارزش های اسلامی ملی زنان بر کل جامعه تاثیر گذاشته و همسو با جنگ نرم علیه زنان و خانواده سبب تزلزل خانواده و در نهایت منجر به فرسایش هویت ملی زنان ایرانی گردد.

با توجه به فعالیت های هدفمند غرب در حوزه زنان لازم است برنامه ای جامع در بهره گیری از ظرفیت زنان در داخل کشور تدوین و اجرا گردد. رهبر معظم انقلاب نیز در رابطه با بهره گیری از ظرفیت زنان در داخل کشور می فرمایند: «اشتغال چه از نوع اقتصادی باشد، چه از نوع سیاسی و اجتماعی و فعالیت های خیر خواهانه، خوب است. زن ها نصف جامعه اند و خیلی خوب است اگر ما بتوانیم از این نیم جامعه در زمینه اینگونه مسائل استفاده کنیم.» (خامنه ای، ۱۳۹۰/۱۰/۱۴)

علیرغم دیدگاههای بلند نظرانه بنیانگذار جمهوری اسلامی و رهبر معظم انقلاب در رابطه با زنان، پس از گذشت ۴۰ سال از انقلاب اسلامی، هنوز دکرترین یا رهنامه ای، زاده ایدئولوژی مرفقی اسلامی در حوزه زنان، در جهت ساماندهی باور ها، رهنمود ها و آموزه های توصیفی برای مقصود عملیاتی جمهوری اسلامی در حوزه زنان منتشر نشده است. امروز با بودجه جمهوری اسلامی زنانی در جشنواره های فجر و جتی جشنواره های علمی و.. مورد تشویق قرار می گیرند که الگوهای نا مناسبی برای زن ایرانی حداقل در وضعیت ظاهری بوده و در بسیاری موارد، ترویج زندگی شخصی شان در شبکه های اجتماعی، در راستای اهداف نظام سلطه است.

مخاطرات امنیت ملی

۱- گسست زنان و دولت

یکی از مهمترین مخاطرات امنیت ملی جمهوری اسلامی گسست ملت و دولت یا جدایی تا رویارویی و جبهه بندی میان دولت و ملت با بروز بحرانها رخ می نماید. (عبدالله خانی، ۱۳۹۲، ۴۵) زنان به عنوان نیمی از جامعه که بر نیم دیگر تاثیر قابل توجهی دارند می توانند نقش مهمی در این گسست ایفا نمایند. تعارض الگوی نظام جمهوری اسلامی با الگوی غربی و سبقه تاریخی ایران در مواجهه با غرب، نظام سلطه را بر آن داشته تا از همه قوای درونی نظام علیه جمهوری اسلامی بهره برداری نمایند. با توجه به تفاوت های فرهنگی، زبانی، قومی، ملی و.. الگوهای متفاوت و همگام با الگوی غربی را طراحی کرده و نقاط ضعف گفتمان جمهوری اسلامی را با قشر زنان و شکاف های اجتماعی در این حوزه را شناسایی نموده و شکاف را از آگاهی دادن تا کنش سیاسی در چارچوب سازمانهای غیر دولتی و مردم نهاد و رسانه ها و آموزش های حضوری و غیر حضوری پیش می برند.

برای نمونه آمریکا در چارچوب طرح خاور میانه بزرگ و برنامه گسترش آزادی و دموکراسی در جهان (به ویژه اسلام) به طور آشکار اعلام کرده است که از جریان های اجتماعی منجر به دگرگونی نظام سیاسی این کشور ها حمایت همه جانبه می کند و حتی جهت راه اندازی چنین جنبشهایی مداخله خواهد کرد. در این راستا آمریکا چهار محور اساسی را برای شکل گیری زمینه های لازم با هدف دگرگونی سیاسی مطلوب در کشورهای مورد نظر اعلام کرده است که عبارتند از: ۱- اصلاح و آزاد سازی اقتصادی ۲- تشویق و ایجاد زمینه تغییرات سیاسی ۳- تشویق و ترغیب اصلاحات آموزشی ۴- گسترش نقش زنان در اقتصاد و سیاست (مقتی دستنایی، ۱۳۸۸، ۳۶۴)

در جنگ نرم رقابت بر سر قدرت بسیج اجتماعی میان دولت و گروه های غیر دولتی است. (همو، ۳۶۶) اگر دولت جمهوری اسلامی نتواند گسستی را که غرب به دنبال آن است با اتخاذ سیاست های مقتضی زمان در رابطه با زنان اتخاذ نماید، سازمانهای در خدمت غرب همچون سازمانهای حقوق بشری و حقوق زنان و حقوق کودکان و رسانه های وابسته، مسلماً این گسست را ایجاد و عمیق می نمایند و مخاطره ای برای امنیت ملی جمهوری اسلامی در حوزه اداره حکومت ایجاد می نمایند.

طرح مسائل زنان در داخل کشور و رسانه های بیگانه روندی رو به رشد داشته و ۹۷/۵ درصد اخبار زنان به وضع نامطلوب زنان در ایران اشاره دارد و تنها ۲/۵ درصد بهبود وضعیت زنان پس از انقلاب می پردازند. (خجسته باقر زاده، ۱۳۸۷، ۲۵۸) رسانه های بیگانه در صدد بهره برداری از زنان علیه مواضع انقلاب بوده و همواره گسست زنان و حاکمیت را با القاء نقض حقوق زنان و رویکردهای فمینیستی دنبال می نمایند.

از جمله مسائلی که جمهوری اسلامی را در حال و آینده با چالش های جدی در داخل و سطح بین الملل مواجه خواهد نمود و مخاطره ای برای امنیت ملی است، عدم رسیدگی و توجه به مسائل زنان و بزرگ نمایی آن در مجامع بین المللی است. مسائلی که توسط فعالان حقوق زنان و سازمانهای غیر دولتی در داخل و خارج از کشور علیه جمهوری اسلامی در سازمانهای بین المللی و فضای مجازی و رسانه ای به عنوان نقض حقوق زنان در ایران مطرح شده و به نوعی زنان را علیه نظام حاکم تحریک می نمایند.

در مسائل حقوقی ارث، دیه، نفقه، سن ازدواج، حق طلاق یا محدود سازی آن، بازنگری سن کیفری، آزادی زندانیان مهریه، سنگسار، شهادت زن و اعتبار و حجیت آن، خشونت علیه زنان، اذن ولی برای ازدواج دختر، حق حضانت فرزندان، حجاب، خودکشی و خود سوزی و... از جمله مسائل حقوقی است که در حال حاضر از داخل در قالب جریانهای فمینیستی و حتی زنان در بدنه دولت و مجلس و از خارج توسط جریانهای اپوزیسیون در حال پیگیری است.

در مطالبات اقتصادی زنان، فقدان سیستم های حمایتی اجتماعی کار برای زنان بیوه، مطلقه، سرپرست خانوار، خانه دار و سالخورده، فرصت های نابرابر شغلی با توجه به افزایش میزان تحصیلات زنان، قاچاق دختران در قالبهای کار بدون مزد یاروسپی گری سازمان یافته باید مورد توجه قرار گیرد. عدم توجه به نگاه متمدنی اسلام در حق اقتصادی زن در مهریه، نفقه، حق رضا و اجرت المثل و.. به نوعی سبب کاهش توجه به ارزش زنان در اسلام گردیده است.

فراموشی کرامت و مقام و منزلت زنان در اسلام و الگو گرفتن از غرب و هنر پیشگان شیفته غرب، حوزه فرهنگ را در ترویج نوع پوشش، مصرف گرایی، مارک گرایی و عدم حمایت از کالای ایرانی، زیبایی گرایی جهت انجام عمل های زیبایی و

استفاده از لوازم آرایشی تحت تاثیر قرار داده و تبلیغات ماهواره ها و شبکه های مجازی و تاثیرات فرهنگ فمینیستی زنان را بر آن داشته تا با تغییر نگرش حاکم در خانواده و جامعه خود را به اثبات رسانند. کنوانسیون های مختلف و سازمانهای غیر دولتی مرتبط با حقوق زنان و کمپین هایی چون منع حجاب اجباری یا حق آواز زنان و کمپین حق ورود به ورزشگاه ها و... در این راستا طراحی شده اند.

در حوزه خانواده، توجه به لزوم استحکام خانواده و پرهیز از طلاق تا حد امکان و لزوم توجه به تغییر الگوهای رایج ازدواج به الگوهای غربی همچون همجنس بازی، ازدواج سفید و... پیامدهای افزایش سن ازدواج، کاهش نرخ باروری، سقط جنین و روابط آزاد جنسی و قاچاق دختران در قالب شبکه های مد و لباس و روسپی گری سازمان یافته باید مورد توجه قرار گیرد، حل دوگانگی در تعارض بین نقشهای اجتماعی زن و نقش وی در خانواده از مهمترین مسائلی است که امروز زنان با آن درگیر هستند.

امروز علاوه بر عرصه های مذکور زنان وارد کیسهای امنیتی شده و در اکثر کیسها زنان نقشهای مهمی را در همراهی، پشتیبانی و حتی هدایت شبکه های جاسوسی ایفا می نمایند. حتی در مطالعات آکادمیک امنیتی نیز مطالعات امنیتی فمینیستی با رویکرد پوزیتیویستی با رویکرد ماهیت گرا و پست پوزیتیویستی با رویکرد غیر ماهیت گرا در جهان مطرح است. (عبداله خانی، ۱۳۸۳، ۲۶۱) رهیافت امنیتی فمینیستی از جنبه های مختلف، نقض امنیت زنان را مورد بررسی قرار داده و نشان می دهد که وضعیت نظام بین الملل به گونه ای آشکار، ناقض امنیت زنان می باشد. در این چارچوب جزئی نگری، دولت محوری و مرد محوری مورد نقد و بررسی قرار گرفته و در برابر شمولیت، کل گرایی و مردم گرایی مطرح می شود. (همو، ۲۶۶) این نظریات رو به رشد بر مطالبات زنان در ایران نیز افزوده است.

لزوم توجه به مسائل زنان و تلاش برای حل مشکلات در کارگروه های متخصص و متعهد در حمایت نظام جمهوری اسلامی می تواند از گسست بین زنان و حاکمیت ممانعت نموده و به جای طرح مسائل در مجامع بین المللی، مسائل زنان در چارچوب قوانین جمهوری اسلامی بر پایه قوانین مترقی اسلام همراه با تغییرات متناسب با عصر جدید و گام دوم انقلاب حل گردد.

۲- فرسایش باور ها و ارزش های اسلامی - ملی در جامعه متأثر از تلاش جریان مسلط جهانی در تغییر رویکرد زنان از سنت به مدرنیته

بی رنگ شدن ارزش ها و باورهای مذهبی در سبک زندگی زنان و جایگزینی آن با ارزش ها و باور های الحادی به طوری که در امتداد استحالته ایران قرار داشته باشد از مخاطرات امنیت ملی جمهوری اسلامی می باشد. (عبدالله خانی، ۱۳۹۲، ۴۶) جدی گرفتن پدیده های عقیدتی به عنوان متغیر های مستقل، در نوع تعریف بازیگران سیاسی از منافع ملی و میزان تاثیر گذاری آنها، نقش مهمی را ایفا می کند. (کاتزنشتاین، ۱۳۹۰، ۳۱)

زنان در جهان مسیحیت و یهودیت مورد تحقیر کتاب مقدس، علمای دینی و تعالیم فلسفی قرار گرفته و در موضوعات مختلف از جمله تفاوت در خلقت زن و مرد، عنصر گناه بودن زن، عامل فریب مردان بودن و خلق در راستای تلذذ جنس دیگر، عنصری دون پایه معرفی می گردند. یکی از عواملی که زنان در غرب به دنبال رفع ظلم از خود هستند، این نظام فکری و دینی است (مطهری، ۱۳۹۰، ۱۳۱) جهان سلطه برای پوشاندن نقایص و ناکارآمدی دین، زنان را وارد اجتماع با نقشهای جدید نموده است. در میان متفکران غربی نیز افرادی مانند ارسطو، روسو، نیچه و... زنان را جنس پست تر به شمار می آورند. (نوابی نژاد، ۱۳۸۵، ۱۶)

تحول شرایط اقتصادی، تحولات علمی و فنی و کشفیات جدید و از همه مهمتر نگرش فکری و فلسفی انسان غربی در عصر رنسانس و نهضت اصلاح دینی بر اساس مدرنیته، پیوندی تنگاتنگ با شکل گیری جریانات روشنفکری زنان دارد. روشنفکری در غرب با دیانت درگیر شد و گام به گام کلیسا را از عرش اقتدار به پایین کشید و در زوایای زندگی شخصی افراد جای داد و بدین ترتیب پایان عصر دین و ناکارآمدی آن در پاسخگویی به نیازهای عصر جدید اعلام شد و عصر علم

و عقلانیت آغاز شد. (تشکری، ۱۳۸۱، ۱۰) انسان مدرن در مقام یک فاعل، موجودی است که قابلیت تفکر، داوری و کنش در جهان را دارد و فاقد هرگونه احساس عاطفی، حیثیت و یا معنویت است. (رفعت جاهد، ۱۳۸۷، ۱۵۲) در جوامع مدرن فرد گرایی که از اساسی ترین بنیان های فکری مدرنیته بود به شکل گیری فردیت زنانه به استقلال نسبی و تغییر نقش جنسی زنان انجامید. از این رو شکل گیری زن مدرن محصول فردیت یافته با تمام خصوصیات است که فردیت مدرن به همراه دارد. «فردیت یافتن زنان به معنای استقلال اقتصادی، خودآگاهی زنان و پایان بخشیدن به نگاه زن صرفاً به عنوان مادر، همسر و جنس دوم و به رسمیت شناختن سروری زنان بر بدن خویش است. (تشکری، ۱۳۸۱، ۲۲)

امروزه تلاش برای تلقین نقض حقوق زنان و نابرابری ها بین زنان و مردان از رسانه های غربی به زنان چشمگیر است. اساسی ترین عامل روی آوردن روشنفکران ایرانی به مسائل زنان و تساوی حقوق زن و مرد، بسط مدرنیسم و پیشبرد پروژه مدرنیسم می باشد. این امر در وهله اول جز با نقد وضعیت موجود زنان و مقایسه آن با موقعیت زنان در غرب و سپس اقدام به تغییر آن میسر نبود. از طرف دیگر به دلیل اینکه روشن فکری دینی با عینک عقل مستقل و نقاد به انسان، جامعه، جهان و دین می نگریست و روش ها و نظام اجتماعی را از این زاویه ارزیابی می کرد، به ناگزیر به نقد موقعیت زنان در جامعه سنتی ایران پرداخت. عطف توجه به مسئله زنان از سوی روشنفکران ایرانی، بخشی از انگیزه سیاسی آنان در پیشبرد یک جنبش اجتماعی بود. از این رو اهمیت زنان در پیشبرد یک جنبش اجتماعی گسترده، روشنفکری دینی را وادار می داشت تا با طرح مسئله زنان بر انگیزان حساسیت های آنان در جهت بسیج اجتماعی آنها حرکت کند. روشنفکران دینی در مسیر پیشبرد دو پروژه اصلی خود، یعنی «تحقق مدرنیته در جامعه» و ارائه «تفسیری مدرن از دین» به ناگزیر به نقد موقعیت موجود زنان می پرداختند و می کوشیدند تا افق های تازه ای برای جایگزینی ارائه کنند. (همو، ۲۳) اهداف جهانی سلطه در صدد اثبات ناکارآمدی دین اسلام در اداره حکومت دینی در احقاق حقوق زنان و کودکان و در پی آن جدایی دین از سیاست است. آنگاه که دین در زندگی شخصی افراد قرار گیرد و الگوی مدرن غربی را به عنوان الگوی کارآمد در کل جهان ترویج گردد، فرسایش باورها و ارزش های اسلامی محقق می گردد.

پشت پرده های جهانی و امپریالیسم فرهنگی مسائل حقوق زنان همواره با تحمیل فرهنگ خود از طریق طیفی از روشنفکران کشورهای پیرامونی، سعی در یکسان سازی فرهنگی آن ها به نفع اهداف سیاسی و اقتصادی خود داشته اند و در این راه از وسائل ارتباط جمعی، بنیادها و موسسات و بالاخره میثاق ها و کنوانسیون های بین المللی به خوبی بهره جسته اند. (همو، ۲۴)

نظام سلطه نقش زنان را در همه عرصه ها مطابق با مطامع خود در نظام روشنفکری ترسیم می نماید به عنوان مثال در سینما زنان از حالت انفعالی خارج شده و به شخصیت تاثیر گذار در فیلمهای هالیوود متحول شده اند و به نوعی در حوزه زنان شخصیت سازی مطابق با باورها، گرایش ها، هنجارهای غربی صورت می گیرد و در بسیاری از شبکه های ماهواره ای زنان به عنوان مجری بکارگیری شده اند و حتی در عرصه سیاست نیز در برخی کشورها زنان به عنوان رئیس جمهور، نخست وزیر، وزیر امور خارجه بکارگیری شده اند. نویسندگان، رمان نویسان، گرافیست ها، کارگردان ها و به طور کلی اهالی هنر از ترویج گران این دیدگاه هستند. روشنگری در رابطه با وضعیت موجود زنان در غرب، زن ایرانی را بر آن می دارد که به بازنگری به فرهنگ غنی اسلامی ایرانی بپردازد. اگرچه برخی نقدها به جامعه سنتی ایران متأثر از فرهنگ ایرانی وارد است، اما نگاه مترقی اسلام به زن، نقصها و کاستی های غرب را ندارد و نگاه به زن صرفاً ابزاری و در خدمت جنس دیگر نیست بلکه نقش اساسی انسان سازی به زنان واگذار شده است. در ایران برخلاف فمینیسم غربی، اکثر زنان به اعتقادات دینی و به خانواده پایبندند و از نظر آنان فرو دست شمردن هویت و حقوق زن و تبعیض های جنسیتی، از دین ناشی نمی شود بلکه از فرهنگ جامعه ایرانی نشأت می گیرد. تجربه و آرمان زن ایرانی با تجربیات و آرمان های زن غربی متفاوت است، از این رو راه حل های آنان نیز با نیازها و روحیات زن ایرانی مسلمان ناسازگار است. به نظر می رسد زن ایرانی بیشتر از آنکه در پی فرصت و مسئولیت های مردانه باشد، در پی کسب استقلال هویتی و بهره مندی از امتیاز فعالیتهای اجتماعی از جمله رشد شخصیت و افزایش آگاهی، توانایی، اقتدار و منزلت اجتماعی است. از این رو دین و خانواده که در فمینیسم رادیکال تجربه ای منفی تلقی می گردد، از دید زن ایرانی، مثبت و نشانه

سربلندی است. آنچه امروز زنان ما به شدت به آن نیازمندند تامل در خود، در ارزش ها و آرمان ها و زندگی روزمره شان و مبارزه با نگرش هایی است که حضور مشروع زنان در عرصه های اجتماعی را محدود می سازد. این نگرش های سنتی ریشه در ساخت اجتماعی دارد و می توان آن ها را مورد بازنگری و تامل قرار داده و تعدیل کرد. (رفعت جاه، ۱۳۸۷، ۵) تاثیر پذیری زنان از منابع جدید برخاسته از هویت و کاهش نفوذ منابع سنتی در هویت جویی زنان موثر است و زنان تحت تاثیر مدرنیته در حال بازاندیشی تعریف جدیدی از خود هستند. (خجسته باقرزاده، ۱۳۸۷، ۲۵۸)

زن ایرانی سنتی مواجه با مدرنیته غربی شده و لازم است نظریه پردازی برای زنان با فهم امروزی، منطقی به نظر برسد. زن سنتی دیروز که در تامین غالب نیازهای خانواده و در فرزند آوری و تربیت فرزندان نقش موثر و بی بدیلی داشت و در تحصیلات، پوشش و اوقات فراغت و حتی بهره گیری از امکانات ماشینی با زن امروزی تفاوت بنیادینی داشت و وقتی برای صرف در حوزه های دیگر نداشت. ولی زن امروزی با توجه به شهرنشینی، بالا رفتن سطح سواد، نرخ بیکاری بالا برای زنان، فرزند آوری کمتر، زندگی ماشینی و خرید فراورده های صنعتی، دارای تکالیف کمتر و در عین حال اوقات فراغت بیشتری است و در ضمن افزایش میزان تحصیلات و آشنایی با زبان های خارجی و ترویج دیدگاه های فمینیستی در شبکه های ماهواره فارسی زبان، فضای مجازی و شبکه های ارتباطی زن ایرانی را دچار تعارضاتی در جامعه کرده است.

دیگر زیست جهان زن ایرانی زیست جهان سنتی نیست و نا برابری های عرفی و قانونی میان زن و مرد طبیعی و جاودانه تصور نمی شود. زنان ایرانی رفته رفته در سطوح وسیع به تامل و باز اندیشی درباره موقعیت و هویت های اجتماعی خود پرداخته اند و قدم به مرحله بلوغ اجتماعی می گذارند. چنین آگاهی و بلوغ مشارکتی هم برای خود آنها و هم برای جامعه می تواند ثمرات ارزشمندی داشته باشد و در عین حال زن ایرانی نباید عامل عقب ماندگی های خود را در دین اسلام ببیند و به دنبال تفسیر مدرن از دین یا جدایی دین از سیاست و تسری آن به زندگی فردی باشد بلکه کارآمدی دین اسلام در زندگی اجتماعی لازم است با اصلاح قوانین و فرهنگ های غلط رایج در جامعه در چارچوب صحیح آن اثبات گردد. پیشگیری از فرسایش باور ها و ارزش های دینی زنان به عنوان مخاطره ای برای امنیت ملی است می توان با هویت بخشی به زن ایرانی مسلمان در جهت رشد و ارتقاء در عرصه های سیاسی و اجتماعی سکان حرکت کشتی زنان را به دست گرفت و آنگونه که مد نظر حاکمیت است اداره نمود.

۳- مهار نا پذیری جنگ نرم علیه زنان

جنگ نرم اقدام به مبارزه خصمانه با اعمال بیشتر نرم (غیر نظامی) به خصوص در برابر مخالفان مصمم و دارای امکانات می باشد که ممکن است با سرکوب واکنش نشان دهند. که پیامدهای همچون اخلاص در فرایند های کسب آگاهی و شناخت انسان و تاثیرگذاری بر کارکردهایی نظیر تفکر، تصمیم گیری، تصمیم سازی، پردازش، انتقال صحیح نیز به همراه دارد. (فکوری، ۱۳۸۷، ۳۷۵) جنگ نرم علیه موضوعات مرجع امنیت ملی با بهره گیری از روش های نرم افزاری مدرن، اصلی ترین عرصه جنگ نرم است (عبدالله خانی، ۱۳۹۲، ۴۶)

پس از افزوده شدن مولفه فرهنگ، بر مولفه های پیشین سیاست و اقتصاد در جهان، راهبردهای نرم نیز بر راهبردهای سخت در نظام بین الملل سلطه افزوده شد. سیاست و فرهنگ و اقتصاد همگی اجزا و تار و پود و ویژگیهای مهم نظام اجتماعی را در روند جهانی شدن تشکیل می دهند که پرداختن به هر یک بدون در نظر گرفتن تاثیرات متقابل دیگری، نتیجه منطقی در بر نداشته و تنها به درک مجرد و غیر واقعی از جهان منجر می گردد. (اکسفورد، ۱۳۷۸، ۴۰) ژئوپلیتیک فرهنگی یا ژئوکالچر نه فقط به معنی چگونگی دستیابی به سلطه با استیلای فرهنگی بلکه به مفهوم سازگاری و همزیستی فرهنگی در مقیاس جهانی است و خاصیت تمدن سازی و فرهنگ سازی برای سرزمین و اهالی آن را به دنبال دارد. تسلط بر جهان، تضمین استمرار حکومت های سلطه گر است لذا جنگ نرم و نیمه سخت در دستور کار قرار گرفت. در جنگ نیمه سخت، هدف دولتها قرار داشتند و در جنگ نرم، ملتها هدف قرار گرفتند. (شریفی، ۱۳۹۱، ۲۳) فرهنگ به عنوان یک نظام ارزشی و عامل برای جامعه عمل می کند یا به اصطلاح عوامانه تر، نوعی سیمان اجتماعی است که با ارائه معانی مشترک، انسجام جمع را حفظ

می کند و همچنین از طریق تجسم بخشیدن به واقعیت یک گذشته خاص وارائه نمودن آن، درونیه را از بیرونیه متمایز می سازد. (اکسفورد، ۱۳۷۸، ۲۰۹) «فرهنگ رزمگاه ایدئولوژیک نظام نوین جهانی است. خلق واقعیت های فرهنگی و سپس عمل کردن طبق آنهاست که جنبه جهانی دارد» (الرشتاین، ۱۳۸۴، ۲۲۶)

ظهور فرهنگهای جهانگیر در برابر شاهراههای رو به رشد ارتباطاتی جهانی و حرکت اشخاص در آنها را گسترش می دهند و در اشاعه و نیز تغییر و تعدیل توضیح فرهنگی غرب تاثیر داشته است. فرهنگهای جهانگیر در مقایسه با فرهنگهای موثق محلی یا سنتی کم و بیش شکننده به نظر می رسند اما در عین حال قدرت آن را دارند که این فرهنگ ها را از معنا تهی سازند. (اکسفورد، ۱۳۷۸، ۴۲) در جنگ نرم با استفاده از اقدامات روانی، رسانه ای، تبلیغاتی، اجتماعی، و فرهنگی سعی می شود جامعه یا کشور هدف از بعد اندیشه ای و اعتقادی تسلیم مهاجمان شود. (شریفی، ۱۳۸۹، ۲۷) برای تسلط نظام سلطه بر کل جهان بالاخص ایران، جنگ نرم و خلق واقعیت های فرهنگی و تهی سازی فرهنگ غنی ایرانی اسلامی در دستور کار است. در عصر حاضر تسلط بیشتر از طریق جنگ نرم و پارایم فرهنگی صورت می گیرد. هدف نهایی در جنگ نرم مانند جنگ سخت، مهار و فروپاشی یک نظام سیاسی و اجتماعی است، و در واقع، تفاوت عمده ی این دو نوع جنگ در روش ها و ابزار آلات جنگی مورد استفاده است. در جنگ نرم تلاش می شود با تاثیر گذاری بر باورها و ارزش های یک ملت، اندیشه و الگوی اداره کشور که به مثابه هویت دهنده نظام سیاسی است، به چالش کشیده شود. در جنگ نرم مردم و گروههای مختلف اجتماعی و نخبگان به طور خود جوش به این نتیجه می رسند که نظام سیاسی حاکم در راستای منافع ملی کشورشان کارایی مناسبی ندارد. بدین ترتیب جنگ نرم ریشه در تفکرات داخلی داشته و مبتنی بر درک بنیاد ذهنی مردم از منافع ملی کشور است. (متقی دستنایی، ۱۳۹۰، ۳۶۲)

تردید در مبانی و زیر ساخت های فکری یک نظام سیاسی، بحران در ارزش ها و باورهای اساسی جامعه، بحران در الگوهای رفتاری جامعه و زمینه سازی برای ایجاد بحران های پنجگانه سیاسی «هویت، مقبولیت، مشارکت، نفوذ و توزیع» از مولفه های تهدید نرم است و در این راستا زنان به عنوان نیمی از جمعیت و تاثیر گذار بر نیم دیگر و نسل آینده هدف قرار گرفته اند. جنگ نرم در حوزه زنان و خانواده امری است که چالشهایی را در نظام اجتماعی ایرانی ایجاد نموده و و جمهوری اسلامی در گام دوم انقلاب با چالشهایی جدی در حوزه زنان مواجه خواهد شد که لازم است در راستای طراحی های آتی برنامه های ویژه ای برای زنان اتخاذ نمایند. در جنگ نرم دشمن به دنبال تزلزل از درون به واسطه ایجاد نارضایتی در مردم، ایجاد شکاف بین دولت و ملت، تغییر باورها، تهاجم فرهنگی، ترویج اباحه گری، عادی سازی مفاهیم دینی است. جنگ نرم دارای لایه های فرهنگی، سیاسی، روانی و اطلاعاتی است. دشمن در رویکرد فرهنگی در حوزه زنان، تغییر نگرش زنان به عنوان قشر تاثیر گذاری از جامعه با استحاله ایدئولوژی، ترویج اباحه گری، تضعیف بنیان خانواده و تغییر سبک زندگی اسلامی زنان را به دور شدن از آرمان های جمهوری اسلامی سوق می دهند. بی تردید هرگاه در شرایط که فکر، اندیشه و اراده زنان ملت تسخیر گردد، فروپاشی روانی در کل جامعه و نسل آتی صورت می گیرد و به طور طبیعی یک کشور بدون قدرت نظامی اشغال می گردد. صحنه روابط بین الملل، میدان رویارویی و منازعه اهداف و بازیگران است و کشورهای مختلف برای پیشبرد منافع و اهداف خود از عوامل و مولفه های گوناگون قدرت ملی بهره می برند. یکی از برجسته ترین مظاهر قدرت ملی، قدرت روانی تبلیغی است. منبع این قدرت فرهنگ استراتژیک ملی دفاعی کشور است که در سه سطح راهبردی، میانی و تاکتیکی بر توانمندی ذهنی و ارادی ملت تاثیر می گذارد. در مقابل عملیات روانی حریف و تهدید نرم برای کاهش توانمندی ها در این سه حوزه طرح ریزی می شود. هدف و کار ویژه تهدید نرم فروپاشی باور ها، ارزش ها و الگوهای رفتاری در سه سطح یاد شده است.

برای مقابله با تهدید نرم، داشتن استراتژی بیش از داشتن قدرت موثر است لذا شایسته است استراتژی مقابله ای با پروژه براندازی نرم در دو حوزه داخلی و بین المللی در حوزه زنان تدوین و نقش هر یک از نهاد های دولتی در آن مشخص و تبیین گردد. ضمناً تقویت توانمندی های کنترلی سازمانهای امنیتی نیز ضروری است. (نور محمدی، مصطفوی، ۱۳۸۹، ۵۶)

۴- فرسایش هویت ملی زنان

هویت ملی یکی از ارکان نیرومند در همبستگی و شرط لازم و ضروری در تداوم حیات دولت ها به شمار می آید. هویت معنی و تفسیری از خود است که بر اساس شرایط فردی، اجتماعی و روانی در یک سیستم از روابط اجتماعی ظاهر می شود. (مقصودی، ۱۳۹۱، ۱۰) به نظر میلر یک اجتماع به واسطه باور مشترک و تعهد متقابل، قدمت تاریخی، منش فعال، وابستگی به یک قلمرو خاص و متمایز شدن از دیگر اجتماعات به واسطه فرهنگ عمومی خاص پدید می آید. این پنج عنصر در کنار یکدیگر ملت را از دیگر منابع جمعی هویت شخصی متمایز می سازد. (میلر، ۱۳۸۳، ۳۴)

هویت ملی نوعی احترام و التزام به عناصر چهارگانه سرزمین، جمعیت، حاکمیت و فرهنگ مشترک است. در میان عوامل چهارگانه نخست جمعیت سپس فرهنگ و پس از آن حاکمیت و در پایان سرزمین از اولویت برخوردارند ولی هر چهار شاخص لازم است.

فرسایش هویت ملی در فرایند معناسازی و خود آگاهی مبتنی بر فرهنگ مشترک - که در جمهوری اسلامی مبتنی بر مسلمان بودن، ایرانی بودن و انقلابی بودن - در میان طبقات و اقشار اجتماعی و اقوام و مذاهب تشکیل دهنده جامعه ایرانی، تا جایی که منجر به صف بندی و رویارویی خشونت بار در حوزه اندیشه و عمل میان آنها گردد، صورت می گیرد. (عبدالله خانی، ۱۳۹۲، ۵۰) در دین اسلام، زن جایگاه بسیار والایی در اجتماع و خانواده دارد. زن ستون خانواده است و خانواده کوچکترین واحد اجتماعی جامعه می باشد، لذا می توان گفت زن بنیان جامعه است و قادر است جامعه را به سمت سعادت و تعالی و یا به سمت انحراف و فساد سوق دهد و به فرهنگ جامعه سمت و سو دهد. با توجه به نقش زن در جامعه ایرانی، نظام سلطه بر زنان بیش از مردان تمرکز نموده و سعی در تضعیف جایگاه زن در سازندگی جامعه با سرگرم نمودن او با مفاهیم دنیای مدرن نموده و به نوعی از طریق زنان قصد ضربه به هویت ملی را نشانه رفته است. نشانه رفتن باورهای اسلامی از جمله اقداماتی است که در دستور کار رسانه های بیگانه فارسی زبان قرار گرفته است. (کاردان، ۱۳۸۹، ۱۶۰) پرداختن به مقوله حجاب خانم ها و انجام سنجش اینترنتی در رابطه با اختیاری بودن حجاب و انتشار تصاویری از زنان و دختران ایرانی با پوشش های نامناسب در تظاهرات، گردشگاهها و سینماها و راه اندازی کمپین های منع حجاب اجباری یا چهارشنبه های سفید و... از مصادیق تلاش برای فرسایش هویت ملی اسلامی است. ساخت تصاویری مخدوش و وارونه از نظام جمهوری اسلامی و ایجاد این همانی میان این نظام و تروریسم، نقض حقوق بشر به ویژه نقض حقوق زنان، توسعه نیافتگی، سلطه جویی وزن ستیزی و متقابلاً ترسیم چهره آرمانی از زن غربی و سبک جدید زندگی حول مفاهیمی مانند حقوق زنان، توسعه و جامعه مدنی به هویت سازی جدیدی ختم می شود که امری برخوردار از ثبات و پایداری بر مبنای گفتمان و نظام معنایی مشخص است. این امر از رهگذر نفی غیریت سازی مبنی هویت بخش نظام جمهوری اسلامی مانند اسلام مکتبی و ایران اسلامی به مثابه غیر یا دیگر در برابر هویت ایرانی و ایران مدرن در حال تکوین است. (گلشن پژوه، ۱۳۸۹، ۱۴۶)

این مطلب را نباید هیچگاه فراموش کرد که زنان بزرگترین اهرم سازنده جامعه یعنی فرزندان را در اختیار دارند. آلن کالدیکات موسس سازمان پزشکان در خدمت جامعه در آمریکا می گوید: «اعضای فعال سازمانهای صلح آمریکا و ۸۰٪ جنبش های صلح در ایالات متحده را در حال حاضر زنان تشکیل می دهند. به این ترتیب دیگر نمی توان گفت زنی که در زمینه پزشکی فعالیت می کند و دارای سه فرزند و نیز درگیر مسائل مربوط به خانه است نمی تواند رهبری جنبش های صلح و انقلاب رهایی بخش را به عهده بگیرد. مادام که زنده هستیادین حقیقت را فراموش نکنید... به یاد داشته باشید ۵۳٪ جمعیت کره زمین را زنان تشکیل می دهند. زنان ۲/۳ کارهای موجود در جهان را انجام می دهند و با این وجود سهم آنان از درآمد سرانه تنها ۱۰٪ است. زنان صاحب ۱٪ کل دارایی های جهانند. و از سوی دیگر تمامی کودکان دنیا از آن ما هستند. در حالی که هیچ قدرتی در دستهای ما نیست و...» (لرنز رابینز، ۱۳۷۸، ۴۵) زنان در همه جهان علیرغم در دست نداشتن قدرت در جامعه، سرمایه های آتی آینده

را در دست دارند و می توانند آینده جامعه را آنگونه که بخواهند رقم بزنند و به نوعی هویت سازی در جامعه به دست زنان است.

با توجه به نقش حیاتی زن در تامین سلامت عاطفی خانواده و جامعه است که دکتر کارول روانشناس آمریکایی می گوید: «مقدرات ملل دنیا به دست زنان قرار دارد زیرا این مادران هستند که مردان بزرگ جامعه بشری را تربیت می کنند لذا زندگی ملل جهان مولود روح زنان آنهاست» همه اقوام بشری در گذشته مقدس ترین موجود زندگی خویش یعنی خدایان خود را به شمایل زنان می ساختند تا آنها را مظهری از صلح و صفا و فداکار و محبت نشان دهند. (هاشمی، ۱۳۷۰، ۶۱) البته برخی محققان مانند ژان ژاک روسو معتقد است: «تعلیم و تربیت زنان همان تعلیم و تربیت مردان است و هدف نهایی آموزش و پرورش زن خدمت به مرد و پرورش اوست نه خود زن» (همو، ۶۸)

فرسایش هویت ملی و تغییر در یک جامعه از نگرش فرزندان آن جامعه واز تمام عناصر تشکیل دهنده آن سرزمین، جمعیت، حاکمیت، و فرهنگ آغاز می شود و در ساختار جامعه ایرانی خانواده عنصر تشکیل دهنده واقعی است و زن در چرخه اطمینان خانواده است. گفته می شود که زن نیمی از جامعه است و ما می گوییم که زن همه جامعه است زیرا زن نیمی از جمعیت سازنده نیم دیگر است. با توجه به اینکه زن هم مادر و تربیت کننده نسل است و هم می تواند پزشک، وکیل، سیاستمدار و... باشد و همچنین در خانواده و محیط اطراف و جامعه نقش بسزایی دارد، اگر در سطح بالایی از فرهنگ و آگاهی باشد و بر اساس ارزش های اسلام به رشد تربیت نسل بپردازد، خانواده ایمن باقی می ماند و در نتیجه جامعه سالم خواهد ماند و عکس این موضوع نیز صادق است.

اگر هویت ملی زنان فرسوده گردد خانواده و جامعه نیز به این سو خواهند رفت. زنان هر چند که وظایفی مشابه وظایف مردان در کار ایفا می کنند، دارای قدرت تاثیر گذاری ویژه ای در محیط خویش به ویژه خانواده هستند. قدرت های استکباری به خوبی فهمیده اند که زن عنصر قدرت در جوامع اسلامی است. جنگ فزاینده و بی شماری را علیه زن به راه انداخته اند، جنگ هایی که هدف آن عواطف و احساسات زن است، جنگ هایی که فطرت زن و تفکر درونی او را هدف قرار داده است. ابزارها نیز علاقه زن به وسایل نوظهور و خواست وی بر هر چه سریع تر به روز شدن را هدف قرار داده است. اما متأسفانه زنان خطر این عسل پیشکش آلوده به سم تمدن را به خوی درک نمی کنند، امری که عواقب مصیبت بار آن را به شکل آبی و همچنین در دراز مدت مشاهده می کنیم و فرسایش هویت ملی را به دنبال دارد.

نتایج و راهکارها

گفتمان جمهوری اسلامی به عنوان مرحله ای خاص از جریان باز اندیشی دینی دارای دو وجه اساسی برخورد نقادانه با غرب و سنت و بازگشت به خویشتن است. (نیکخواه قمصری، ۱۳۸۱، ۱۷۹) تعارض الگویی نظام جمهوری اسلامی با الگوهای غربی، نظام سلطه را بر آن داشته تا از زنان به عنوان عنصری قدرتمند در جامعه که نیم از جمعیت را تشکیل داده و سازنده نیم دیگر و نسل آتی است به عنوان مخاطره ای برای امنیت ملی بهره برداری نمایند. در این راستا به نظر می رسد گسست زنان و دولت در مسائل حقوقی، اقتصادی، فرهنگی، خانوادگی و امنیتی و ضعف گفتمان جمهوری اسلامی با زنان و شکاف های اجتماعی در حوزه مذکور شناسایی شده و از طریق سازمانهای مردم نهاد حقوق زنان، رسانه ها و فضای مجازی بسیج اجتماعی زنان علیه حاکمیت را ساماندهی می نمایند.

فرسایش باورها و ارزش های اسلامی - ملی در جامعه متأثر از تلاش جریان مسلط جهانی و تغییر رویکرد زنان از سنت به مدرنیته مد نظر قرار دارد. با توجه به رویکرد مدرنیته عصر کارآمدی دین پایان یافته و عصر عقلانیت و فردیت با نقد وضع موجود زنان آغاز گردیده است. اما زن ایرانی هنوز به کار آمدی دین اعتقاد دارد و نیازمند تامل در خود، ارزش ها و آرمان ها مبارزه با نگرش های زن ستیز در عرصه اجتماعی است.

یکی دیگر از مخاطرات امنیت ملی، مهار ناپذیری جنگ نرم دشمن علیه زنان به ویژه در حوزه فرهنگ با تهنی سازی فرهنگ ایرانی اسلامی، بحران ارزش ها و باورها، ترویج اباحه گری و تضعیف بنیان خانواده و جایگزینی آن با فرهنگهای جهانگیر است که لازم است استراتژی مقابله با جنگ نرم علیه زنان در جمهوری اسلامی تدوین گردد.

از دیگر مخاطرات امنیت ملی، فرسایش هویت ملی اسلامی است هویت در جمهوری اسلامی بر اساس مسلمان بودن، ایرانی بودن و انقلابی بودن تبیین می گردد که زن ایرانی در فرسایش این هویت ملی با توجه به تاثیر گذاری وی در جامعه می تواند تاثیر به سزایی داشته باشد.

دکتر سروش معتقد است «مهمترین انگیزه برای پدید آمدن جنبش دینی و نهضت اصلاح گرا، محض علاقه به دین است. اگر قومی علاقه مند به دین نباشند و در آن حسن و قوتی و دست گره گشایی نبینند مسلماً به دنبال احیاء و اصلاح و بازسازی آن نخواهد رفت. از پایدار ماندن علاقه به دین و گره گشا دانستن و عزت دانستن آن، زمینه اصلی برای پدید آمدن جنبش های اصلاحی و احیایی است» (یوسفی اشکوری، ۱۳۸۸، ۱۷)

نقطه قوت دین مبین اسلام کارآمدی در همه عرصه های زندگی است و هنوز زنان ایرانی به این کارآمدی معتقدند و در صدد تغییر قوانین فقهی و حقوقی با توجه به فقه پویای شیعی هستند. زن ایرانی برخلاف قرائت های فمینیستی به سنت های ارزنده ای چون دین و خانواده پایبند است. در تجربه زن نوگرای ایرانی فرو دست شمردن هویت و حقوق زن و تبعیض های جنسیتی از دین ناشی نمی شود بلکه ریشه در ساختار اجتماعی و فرهنگی دارد. تجربه و آرمان زن ایرانی با تجربه و آرمان زن غربی متفاوت است. از این رو راه حل های آنها هم متفاوت خواهد بود. آنچه در فمینیسم تجربه ای منفی تلقی می شود، مثل دین و پایبندی به خانواده، از دید زن ایرانی مثبت و نشانه سر بلندی است. هم تصویرمدرنیسم غربی از زن آزاد اجتماعی و هم تصویر زن عفیف خانگی تصویری مبتنی بر هویت فرو دست جنسی است. در این دو تصویر آنچه فدا می شود قدرت انتخاب و استقلال زن است. زن نو گرای ایرانی نگاه انسانی به خودش دارد و می خواهد به سر حد استقلال انتخاب خویش برسد می خواهد خودش باشد و خودش را بسازد و این سازندگی نه ساخته وراثت باشد و نه تقلید. زن ایرانی در پی تحقق خود شکوفایی است از این رو همواره باید در آموختن باشد لذا زنان حتی در صورت عدم اشتغال، به تحصیل در آموزش عالی روی آورده اند. زن ایده آل ترکیبی از هویت های مدرن و سنتی را دارد. او می خواهد چیزی بیش از زندگی خانواده داشته باشد و به نظر می رسد بیش از آنکه در پی فرصت ها و مسئولیت های مردانه باشد در پی کسب استقلال هویت، بهره مندی از امتیاز فعالیت های اجتماعی، رشد شخصیت و دستیابی به آگاهی، توانایی، اقتدار و منزلت اجتماعی است در راستای عدم برون سپاری مسائل زنان به بیگانگان راهکارهای ذیل پیشنهاد می گردد:

- ۱- اصلاح چرخه اطلاع رسانی جهت تکمیل اطلاعات در موضوع زنان و انتقال آن به دستگاه های تصمیم ساز در رفع آسیب ها
- ۲- تقویت بدنه کارشناسی نظام تصمیم گیری حاکمیت و تربیت زنان متخصص جهت حضور در پست های حکومتی متناسب با سطح مشارکت زنان در جامعه، افزایش تعداد زنان متخصص و کار آمد در دولت و مجلس و قوه قضاییه و کرسی های قدرت و ارگانهای امنیتی و نظامی و انتظامی
- ۳- فعال سازی مراکز علمی، پژوهشی و رسانه های داخلی در موضوع زنان و طراحی الگوی اسلامی - بومی و دکترین زن در جمهوری اسلامی با توجه به ارزشهای دینی و انقلاب اسلامی و سنت ایرانی مناسب با زمانه و صدور آن به کل جهان
- ۴- گسترش تعاملات در حوزه های غیر سیاسی با زنان و طراحی جنبشهای زنان از درون محافل دینی با حضور فقها و جامعه شناسان و سایر علوم مرتبط و ایجاد نگرشی نو و مطابق با شرایط زمان و مکان برای زن ایرانی
- ۵- مرجع سازی چاپ و انتشار بولتن های معتبر موضوعی زنان مطابق با الگوی ایرانی اسلامی و اجرای طرح تحول در علوم انسانی در رشته های تخصصی همچون مطالعات زنان
- ۶- ایجاد تشکیل جلسات رایزنی و تبادل فکری و برگزاری میزگردهای تخصصی حول موضوعات زنان و جمع آوری دیدگاه ها و تجارب کارشناسان
- ۷- ایجاد و گسترش ارتباطات حاکمیت با عناصر و مراکز افکار سازی و پژوهشی مرتبط با موضوع زنان در داخل و خارج از کشور
- ۸- همسان کردن ظرفیتهای سازمان های امنیتی کشور با تهدیدات نرم در حوزه زنان

۹- فراهم آوردن زمینه عضویت زنان نخبه در نهاد های دولتی و سیاسی با هدف جلوگیری از جذب آنان در جبهه اپوزیسیون

منابع :

- ۱- اکسفورد، باری (۱۳۷۸)، نظام جهانی: اقتصاد، سیاست و فرهنگ، مترجم حمیرامشیر زاده، تهران: مرکز انتشارات وزارت خارجه
- ۲- تشکری، زهرا (۱۳۸۱)، زن در نگاه روشنفکران، قم: طه
- ۳- خجسته باقر زاده، حسین (۱۳۸۷)، نقش زنان در امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر مولفه های اجتماعی فرهنگی (چکیده رساله دکتری) استاد راهنما: رحمة الله صدیق سروستانی، استاد مشاور جعفر هزار جریبی، دکتر فراهانی، تهران: ماهنامه نگرش راهبردی شماره ۹۱، خرداد ۱۳۸۷، ص ۲۵۷-۲۶۰
- ۴- رفعت جاهد، مریم (۱۳۸۷)، تأملی در هویت زن ایرانی، تهران: دانشگاه تهران
- ۵- شریفی، احمد حسین (۱۳۸۹)، جنگ نرم، قم: موسسه پژوهشی امام خمینی
- ۶- عبدالله خانی، علی (۱۳۹۲)، بنیان های امنیت ملی جمهوری اسلامی، تهران: موسسه فرهنگی مطالعاتی و تحقیقات بین الملل ابرار معاصر تهران
- ۷- عبد الله خانی، علی (۱۳۸۶)، تهدیدات امنیت ملی (شناخت و روش)، تهران: موسسه فرهنگی مطالعاتی و تحقیقات بین الملل ابرار معاصر تهران
- ۸- عبدالله خانی، علی (۱۳۸۳)، نظریه های امنیت مقدمه ای بر طرح ریزی دکترین امنیت ملی (۱)، تهران: موسسه فرهنگی مطالعاتی و تحقیقات بین الملل ابرار معاصر تهران
- ۹- فکوری، محمد علی (۱۳۸۷)، فرهنگ واژگان اطلاعاتی (ویرایش دوم)، تهران: دفتر پژوهشهای اطلاعاتی دانشکده اطلاعات
- ۱۰- لرنر رابینز، هلن (۱۳۷۸)، قدرت ما زنان خردمندی ها و راهبردهای موفق ترین زنان جهان، ترجمه بیژن محمد (ایلیایی)، تهران: نسل نو اندیش
- ۱۱- کاتزنشتاین، پیتر (۱۳۹۰)، فرهنگ امنیت ملی (هویت و نهاد گرایی)، مترجم عبد الحمید سلمان خاکسار، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی
- ۱۲- کاردان، عباس (۱۳۸۹)، جنگ نرم عویشه جنگ رسانه ای علیه جمهوری اسلامی ایران، مقاله تحلیل و بررسی بی بی سی فارسی، تدوین و گردآوری محمود رضا گلشن پژوه، تهران: موسسه فرهنگی مطالعاتی و تحقیقات بین الملل ابرار معاصر تهران، ص ۱۵۱ تا ۱۷۲
- ۱۳- گلشن پژوه، محمود رضا (۱۳۸۹)، جنگ نرم عویشه جنگ رسانه ای علیه جمهوری اسلامی ایران، مقاله شبکه های رادیکال قومی و مذهبی، تدوین و گردآوری محمود رضا گلشن پژوه، تهران: موسسه فرهنگی مطالعاتی و تحقیقات بین الملل ابرار معاصر تهران، ص ۱۹۱ تا ۲۰۳
- ۱۴- ماه پیشانیان، مهسا (۱۳۹۰)، بستر های فرهنگی و اجتماعی در جنگ نرم، فصلنامه مطالعات بسیج سال چهاردهم، شماره ۵۰، بهار ۱۳۹۰، ص ۷ تا ۵۰
- ۱۵- متقی دستنایی، افشین (۱۳۹۰)، قدرت جنگ نرم از نظریه تا عمل، مقاله جنگ نرم و امنیت ملی جمهوری اسلامی، به کوشش حجت الله مرادی، تهران: نشر ساقی، ص ۳۵۹ تا ۳۷۰
- ۱۶- مطهری، مرتضی (۱۳۹۰)، مجموعه آثار ۱۹ (جلد اول از بخش فقه و حقوق) نظام حقوقی زن در اسلام، مسئله حجاب و پاسخهای استاد اخلاق جنسی، تهران: صدرا
- ۱۷- میلر، دیوید (۱۳۸۳)، ملیت، ترجمه داوود عزایاق زندی، تهران: انتشارات تمدن اسلامی
- ۱۸- نورمحمدی، مهدی، مصطفوی، محمود (۱۳۸۹)، جنگ نرم مجموعه مقالات براندازی یا انقلاب نرم: بایسته های سازمانی وزارت اطلاعات، گردآورنده حسین نجفی، تهران: دانشکده اطلاعات معاونت پژوهش و تولید علم

- ۱۹- نیکخواه قمصری، نرگس (۱۳۸۴) تحول نگرش نسبت به زن و تاثیر آن در انقلاب اسلامی، تهران: پژوهشگاه امام خمینی و انقلاب اسلامی
- ۲۰- نوابی نژاد، شکوه (۱۳۸۵)، روانشناسی زن، تهران: نشر علم
- ۲۱- والرشتاین، ایمانوئل (۱۳۸۴) سیاست و فرهنگ در نظام متحول جهانی، ترجمه پیروز ایزدی، تهران: نشر نی
- ۲۲- هاشمی رکاوندی، سید مجتبی (۱۳۷۰) مقدمه ای بر روان شناسی زن، قم: شفق
- ۲۳- یوسفی اشکوری، حسن (۱۳۷۷)، نوگرایی دینی، تهران: قصیده